



**توابع رفاه اجتماعی**  
**تبیین دیدگاه‌ها و بررسی مبانی آنها با نگرش اسلامی**

دکتر محمدحسین کرمی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
زمستان ۱۳۹۴

کرمی، محمدحسین، ۱۳۴۱ -  
توابع رفاه اجتماعی؛ تبیین دیدگاه‌ها و بررسی مبانی آنها با نگرش اسلامی / محمدحسین کرمی. - قم: پژوهشگاه  
حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.  
هفت: ۱۲۸ ص: نمودار. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۳۵۱: اقتصاد؛ ۳۰)  
ISBN: 978-600-298-105-9  
بها: ۵۲۰۰۰ ریال  
فیبای مختصر.  
فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.  
کتابنامه: ص. [۱۲۱]-۱۲۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
نمایه.  
الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان  
شماره کتابشناسی ملی  
۳۸۷۸۸۱۷



## توابع رفاه اجتماعی تبیین دیدگاه‌ها و بررسی مبانی آنها با نگرش اسلامی

مؤلف: دکتر محمدحسین کرمی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۳۵۱: اقتصاد: ۳۰)

صفحه‌آرایی: اعتصام

ویراستار: سیدرضا علی عسگری

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۵۲۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمابر: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۰۲۶۰۰-۶۶۴۰۲۶۰۰

[www.rihu.ac.ir](http://www.rihu.ac.ir)

[info@rihu.ac.ir](mailto:info@rihu.ac.ir)

فروش اینترنتی: [www.ketab.ir/rihu](http://www.ketab.ir/rihu)

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه‌السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به عنوان منبع کمک درسی در زمینه بخش عمومی برای دانشجویان رشته اقتصاد فراهم آمده است که دانشجویان رشته علوم سیاسی با گرایش سیاست‌گذاری عمومی، مدیریت با گرایش مدیریت دولتی و البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های نویسنده گرامی، آقای دکتر محمدحسین کرمی و نیز آقایان حجت‌الاسلام و المسلمین حسن آقا نظری، دکتر الیاس نادران، دکتر علی طیب‌نیا، دکتر جعفر عبادی که نظارت یا رهنمودها و ارشادهای آنان بر غنای هرچه بیشتر این کتاب افزوده است، تشکر و قدردانی کند.

## فهرست مطالب

### فصل اول: کلیات

۱. مقدمه..... ۱
۲. تعریف‌ها و مفاهیم..... ۶
- ۲-۱. رفاه اجتماعی..... ۷
- ۲-۲. وضعیت‌های اجتماعی..... ۹
- ۲-۳. رتبه‌بندی وضعیت‌های اجتماعی..... ۱۱
- ۲-۴. چستی تابع رفاه اجتماعی..... ۱۲

### فصل دوم: توابع رفاه مطلوبیت‌گرایان قدیم

۱. تبیین تابع رفاه مطلوبیت‌گرایان قدیم..... ۱۶
- ۱-۱. چگونگی رتبه‌بندی میان وضعیت‌های اجتماعی در تابع رفاه بنتامی..... ۱۶
- ۱-۲. تبیین معیار رتبه‌بندی در تابع رفاه مطلوبیت‌گرایان بنتامی..... ۱۹
- ۱-۳. نقد شمارشی بودن مطلوبیت‌ها در رویکرد بنتامی..... ۲۱
۲. معیار ترتیبی پارتویی برای رفاه بدون جبران خسارت..... ۲۲
- ۲-۱. نقد محدود بودن معیار پارتو به موارد نبودن ضرر..... ۲۴
۳. معیار رتبه‌بندی ترتیبی رفاه با جبران خسارت..... ۲۵
- ۳-۱. نقد معیارهای ترتیبی پارتویی رفاه از نظر تابع رفاه بودن یا نبودن آنها..... ۲۶
۴. خلاصه و نتیجه‌گیری..... ۲۹

### فصل سوم: توابع رفاه اجتماعی مطلوبیت‌گرایان جدید

۱. تبیین تابع رفاه مطلوبیت‌گرایان جدید..... ۳۱
- ۱-۱. چگونگی رتبه‌بندی در تابع رفاه اجتماعی پارتو در بیان برگسون..... ۳۳
- ۱-۲. چگونگی رتبه‌بندی در تابع رفاه اجتماعی منتسب به پیگو در بیان برگسون..... ۳۵
- ۱-۳. تفاوت‌ها و همانندی‌های مطلوبیت‌گرایی جدید و بنتامی..... ۴۰
۲. خلاصه و نتیجه‌گیری..... ۴۳

### فصل چهارم: تابع رفاه اجتماعی رالز

- ۱. تبیین تابع رفاه اجتماعی رالز ..... ۴۵
- ۱-۱. معیار رتبه‌بندی ..... ۴۵
- ۲-۱. متغیرهای اصلی ..... ۴۶
- ۳-۱. بیان ریاضی در تابع رفاه رالز ..... ۴۸
- ۲. تبیین معیار رتبه‌بندی در تابع رفاه اجتماعی رالز ..... ۴۹
- ۳. خلاصه و نتیجه‌گیری ..... ۵۳

### فصل پنجم: تابع رفاه اجتماعی آمارتیا سن

- ۱. تبیین تابع رفاه اجتماعی آمارتیا سن ..... ۵۵
- ۱-۱. معیار رتبه‌بندی در تابع رفاه آمارتیا سن ..... ۵۵
- ۱-۱-۱. نقش فقر و نابرابری در رویکرد قابلیت ..... ۵۸
- ۲-۱-۱. سنجش فقر و نابرابری ..... ۵۸
- ۱-۲-۱-۱. درآمد حقیقی ..... ۵۹
- ۲-۲-۱-۱. درآمد حقیقی به همراه معیارهای دیگر ..... ۶۰
- ۳-۲-۱-۱. درآمد تعدیل شده ..... ۶۱
- ۴-۲-۱-۱. بیان ریاضی در تابع رفاه آمارتیا سن ..... ۶۴
- ۵-۲-۱-۱. مقیاس نابرابری اتکینسون ..... ۶۶
- ۲. تبیین معیار رتبه‌بندی در تابع رفاه اجتماعی آمارتیا سن ..... ۷۰
- ۳. خلاصه و نتیجه‌گیری ..... ۷۲

### فصل ششم: تقابل‌ها و همانندی‌های بنیادین در توابع رفاه اجتماعی

- ۱. تقابل میان توابع رفاه اجتماعی از نظر گرایش به مطلوبیت و آزادی ..... ۷۵
- ۱-۱. نقش آزادی‌ها در توابع مطلوبیت‌گراها ..... ۷۶
- ۲-۱. نقش مطلوبیت در توابع رالز و آمارتیا سن ..... ۸۲
- ۲. تقابل میان توابع رفاه اجتماعی از نظر گرایش به نوع آزادی ..... ۸۴
- ۱-۲. وجوه مختلف آزادی ..... ۸۴
- ۲-۲. نوع گرایش به آزادی در توابع رفاه رالز و آمارتیا سن ..... ۸۷
- ۳. خلاصه و نتیجه‌گیری ..... ۸۹

### فصل هفتم: مبانی ارزشی و اعتقادی در توابع رفاه اجتماعی

- ۱. مبانی ارزشی و اعتقادی گرایش به مطلوبیت در توابع رفاه اجتماعی ..... ۹۳
- ۱-۱. منظور از گرایش به مطلوبیت ..... ۹۴
- ۲-۱. گستره رفاه در توابع رفاه اجتماعی ..... ۹۴
- ۱-۲-۱. گستره رفاه در تابع رفاه بنتامی ..... ۹۴

۹۸	۱-۲-۲. گستره رفاه در تابع رفاه مطلوبیت‌گرایان جدید.....
۱۰۰	۱-۲-۳. گستره رفاه در توابع رالز و آمارتیاسن.....
۱۰۱	۱-۳. مبانی ارزشی و اعتقادی گرایش به مطلوبیت در توابع رفاه متعارف.....
۱۰۴	۱-۴. نقد مبانی ارزشی و اعتقادی گرایش به مطلوبیت با نگرش اسلامی.....
۱۰۷	۲. مبانی ارزشی و اعتقادی گرایش به آزادی در توابع رفاه اجتماعی.....
۱۰۷	۲-۱. گستره گرایش به آزادی در توابع رفاه اجتماعی.....
۱۰۸	۲-۲. مبانی ارزشی و اعتقادی گرایش به آزادی در توابع رفاه متعارف.....
۱۱۲	۲-۳. نقد مبانی ارزشی و اعتقادی گرایش به آزادی با نگرش اسلامی.....
۱۱۹	۳. خلاصه و نتیجه‌گیری.....

۱۲۱	منابع و مأخذ.....
-----	-------------------

#### نمایه‌ها

۱۲۵	نمایه آیات.....
۱۲۶	نمایه روایات.....
۱۲۷	نمایه اشخاص.....
۱۲۹	نمایه موضوعات.....





## فصل اول

### کلیات

#### ۱. مقدمه

اقتصاد رفاه که در اقتصاد خرد و بخش عمومی از آن بحث می‌شود، به منظور فراهم آوردن مبنایی برای دستیابی به مطلوب‌ترین وضعیت اقتصادی جامعه ارائه می‌شود. برای دستیابی به این هدف نیز دو موضوع اساسی بررسی می‌شود: یکی، بحث از چگونگی تخصیص بهینه عوامل تولید به محصولات است که شکل‌گیری بزرگ‌ترین اندازهٔ کیک را برای جامعه مشخص می‌کند. با این تخصیص، مقدار هر محصول و تکنیکی که در نحوهٔ ترکیب داده‌های (عوامل) تولید انعکاس می‌یابد، تعیین می‌شود. موضوع دوم، بحث از توزیع این کیک میان افراد جامعه است که به بیان چگونگی توزیع محصولات میان شهروندان مختلف می‌پردازد. در مبحث اقتصاد رفاه متعارف بررسی این دو موضوع اساسی بستگی به تابع رفاه اجتماعی دارد. با داشتن یک تابع رفاه اجتماعی می‌توان وضعیت‌های اجتماعی را با یکدیگر مقایسه کرد و از میان آنها بهتر یا بهترین را برگزید. با این وصف، تابع رفاه اجتماعی، تابعی است که متغیر وابستهٔ آن، رفاه اجتماعی و متغیر توضیحی آن، وضعیت‌های رفاهی اجتماعی باشد. در توابع رفاه اجتماعی، وضعیت‌های مختلف اجتماعی با یکدیگر مقایسه و رتبه‌بندی می‌شوند، از این‌رو، نکتهٔ اساسی، دربارهٔ این است که در این توابع وضعیت‌های اجتماعی چگونه رتبه‌بندی می‌شوند؛ در این حوزه، بحث دربارهٔ این است که جوامع مختلف با توجه به ایده‌های اجتماعی خودشان، چه معیار و وزنی را برای هر وضعیت اجتماعی، مناسب می‌دانند؛ از آنجا که وزن‌دهی در تابع رفاه اجتماعی، به‌طور مستقیم با ارزش‌ها و اعتقادهای هر جامعه سروکار دارد، در اینجا باید از این نکته نیز سخن گفت که وزن‌ها و معیارهای رتبه‌بندی در هر جامعه از چه ایده‌های اجتماعی نشئت گرفته‌اند.

توابع رفاه که رکن اصلی مباحث اقتصاد رفاه را تشکیل می‌دهند، می‌توانند مطلوب‌ترین وضعیت اقتصادی جامعه را شناسایی کنند. افزون بر این کارکرد مهم، تابع رفاه اجتماعی کارکرد دیگری نیز دارد که می‌توان با آن، دو وضعیت اقتصادی اجتماعی بهینه پارتو را رتبه‌بندی کرد و امکان‌پذیرترین وضعیت برتر را فراهم ساخت. این تابع با این دو کارکرد مهم می‌تواند مبنایی برای سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی یک جامعه قرار گیرد. بدیهی است که جوامع مختلف با فرهنگ‌های متفاوت، الزامات و رهنمودهای سیاستی متفاوتی دارند و در نتیجه به توابع رفاه اجتماعی متفاوتی نیز نیازمندند. این تفاوت حتی در میان معتقدان به یک سلسله اصول که در برخی فروع با یکدیگر اختلاف دارند، نیز مشاهده می‌شود؛ برای مثال، برخی اقتصاددانان، به رغم اعتقاد به اصول لیبرالیسم، به دلیل اختلاف در برخی مباحث فرعی، توابع رفاه متفاوتی را ارائه کرده‌اند؛ بنابراین، اختلاف در فروع می‌تواند توابع رفاه را متفاوت کند، چه رسد به اینکه جوامعی از نظر اصول با یکدیگر اختلاف داشته باشند.

جوامع اسلامی نیز برای اداره امور اقتصادی خود نیازمند توابع رفاه اجتماعی متناسب با ارزش‌های اسلامی هستند. از آنجا که این مفهوم هنوز در ادبیات اقتصاد اسلامی شکل نگرفته است، به ناچار برای ارائه چنین تابع متناسب با ارزش‌های اسلامی باید سراغ ادبیات متعارف در این باب رفت و با نقد و بررسی آنها روزه‌ای به اقتصاد رفاه اسلامی پیدا کرد. پژوهش حاضر این مهم را دستور کار خود قرار داده است و در صدد آن است که با نقد توابع رفاه متعارف، زمینه‌ای را برای ارائه اقتصاد رفاه اسلامی فراهم کند. در حقیقت این پژوهش در صدد آن است که اصول اعتقادی و ارزشی توابع رفاه متعارف را با نگرش اسلامی نقد و بررسی کند و زمینه‌ای را برای پژوهش‌های دیگر درباره جایگزینی معارف اسلامی و ارائه تابع رفاهی براساس اصول اعتقادی و ارزشی اسلام فراهم سازد.

با توجه به آنچه گفته شد درباره مسئله اصلی این پژوهش می‌توان گفت: یکی از مسائلی بااهمیت درباره سیاست‌گذاری‌های عمومی اقتصاد، تبیین اصولی است که مبنای این سیاست‌گذاری‌ها قرار می‌گیرند. در نظام‌های سوسیالیستی ادعا بر این است که دولت این اصول را براساس ارتقای منافع طبقات پایین جامعه تا سرحد برابری کامل تعیین می‌کند. در نظام‌های لیبرالیستی، فردگرایی اقتضا می‌کند که هر گونه رتبه‌بندی اجتماعی براساس خواست، تصمیم و ارزش‌های مورد قبول افراد جامعه انجام گیرد؛ از این رو، اقتصاددانان این مکتب تلاش کرده‌اند تابعی از رفاه اجتماعی را ارائه کنند که رابطه‌ای میان ترتیبات نهادی فردی و رتبه‌بندی‌های

### کلیات ۳

اجتماعی برقرار کند. در مباحث جدید درباره نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام نیز به این سؤال اساسی باید پاسخ داد که سیاست‌گذاری‌های عمومی اقتصاد براساس چه مبنایی پایه‌ریزی می‌شوند و این مبنا تا چه حد و چگونه با ارزش‌های افراد جامعه اسلامی ارتباط دارد؟ برای تبیین این مبنا و امتیاز آن با مبنای دیگری که براساس ارزش‌های غیراسلامی بنا شده‌اند، باید ابتدا توابع رفاه اجتماعی متعارف موجود نقد و بررسی شوند. بدیهی است که با پرداختن به چنین نقدی نیاز به مبنایی متفاوت در تابع رفاه اسلامی روشن‌تر خواهد شد و با توجه به جنبه‌های مختلف این نیاز، راحت‌تر می‌توان به تابع رفاه اجتماعی اسلامی دست یافت. این پژوهش تنها به چنین نقد و بررسی خواهد پرداخت و تنها زمینه را برای ارائه اقتصاد رفاه اسلامی و نه خود آن فراهم می‌کند.

بنابراین توابع رفاه اجتماعی کارکردهایی همچون سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای دولت‌ها دارند؛ گرچه کارکرد سیاست‌گذاری امری ارزشی است و با ارزش‌دوایی‌های سیاست‌گذاران ارتباط نزدیکی دارد؛ اما این توابع جزئی از علوم تجربی همچون علم اقتصاد خرد و بخش عمومی به‌شمار می‌آیند. از آنجا که توابع رفاه اجتماعی مبنای سیاست‌گذاری‌های عمومی اقتصاد قرار می‌گیرند، اهمیت و ضرورت این توابع را می‌توان در اهمیت این سیاست‌گذاری‌ها جستجو کرد. یکی از مهم‌ترین اهداف این سیاست‌گذاری‌ها توزیع عادلانه ثروت میان افراد جامعه است؛ از این رو، در جامعه اسلامی نیز برای برقراری عدالت مورد نظر اسلام باید راهکارهای مناسب ارائه شوند. برای ارائه چنین راهکارهایی ناگزیر به روی آوردن به تابع رفاه اجتماعی مناسب خواهیم بود.

دولت‌ها با سیاست‌گذاری‌های خود می‌توانند در ضمن برقراری عدالت اجتماعی و زدودن فقر و تبعیض، زمینه‌های کارایی و تجهیز منابع اقتصادی را فراهم کنند و از این راه به رشد سرمایه‌های انسانی و اجتماعی کمک کنند. توابع رفاه اجتماعی نیز که مبنایی برای این سیاست‌گذاری‌ها و شیوه‌ای برای بازشناختن سیاست‌های درست از نادرست به‌شمار می‌روند، از این نقش مهم برخوردار خواهند بود.

این توابع براساس نقش‌های یاد شده، سیاست‌گذاران را به مقایسه و رتبه‌بندی وضعیت‌های مختلف اجتماعی اقتصادی قادر می‌سازند. رتبه‌بندی وضعیت‌ها مشخص می‌کند که هر وضعیت اجتماعی در مقایسه با وضعیت‌های دیگر از چه وزن و ارزشی برخوردار است. از آنجا که این وزن‌ها به‌طور معمول تکرر و تعدد دارند؛ برای تسهیل در سیاست‌گذاری، به معیاری نیاز است که آنها را انسجام بخشد. این معیار که رکن اصلی هر تابع رفاه اجتماعی است،

سیاست‌گذاران را بر رتبه‌بندی وضعیت‌های اجتماعی و ترجیح یک وضعیت بر وضعیت دیگر، قادر می‌سازد و آنان را به توزیعی از منابع اقتصادی میان افراد که بیشترین رفاه اجتماعی را فراهم سازد، رهنمون می‌شود.

ضرورت توابع رفاه اجتماعی در جوامع غیر الهی کاملاً محسوس است؛ زیرا این جوامع از رهنمودهای وحیانی برخوردار نیستند و چنین توابعی می‌توانند مبانی مناسبی برای سیاست‌گذاری‌های عمومی اقتصادی به شمار روند؛ اما در جوامع اسلامی که دارای رهنمودهای فردی و اجتماعی وحیانی هستند، این سؤال مطرح می‌شود که تدوین چنین توابعی چه ضرورتی دارد؟ در پاسخ باید گفت: در یک جامعه اسلامی با استفاده از رهنمودهای دینی به معیارهای رتبه‌بندی می‌توان پی برد در این روش، ضرورت تابع رفاه اجتماعی بدین لحاظ است که گرچه اسلام همه رهنمودهای فردی و اجتماعی مورد نیاز برای تکامل انسان را بیان داشته، اما تاکنون آن رهنمودها به صورت معیار رتبه‌بندی وضعیت‌های اجتماعی تدوین و ارائه نشده‌اند؛ بلکه تلاش‌های انجام شده اندک نیز به تکمیل و اصلاحات فراوان نیازمندند. از سوی دیگر، در جامعه عادی و غیرایده‌آل اسلامی نیز که رهنمودهای اسلام به‌طور کامل تحقق نیافته، به تابع رفاه اجتماعی برخاسته از ارزش‌های اسلامی نیازمند است. در چنین جامعه‌ای بر اثر اجرا نشدن کامل رهنمودهای اسلام، بی‌عدالتی‌ها و مشکلاتی در امر توزیع به بار خواهند آمد که برای بازسازی آنها به تابع رفاه اجتماعی برگرفته از اندیشه اسلامی نیاز بیشتری است. بنابراین، چنین تابعی برای یک جامعه اسلامی ایده‌آل و جامعه‌ای که به سمت ایده‌آل در حرکت است ضرورت دارد. برای دستیابی به چنین تابع متناسب با ارزش‌های اسلامی یکی از گام‌های مقدماتی آن است که ابتدا توابع رفاه متعارف با نگرش اسلامی نقد و بررسی شوند و این پژوهش در صدد تأمین این ضرورت است.

پیشینه مضمون و محتوای این تابع در اندیشه غیر الهی از مطلوبیت‌گرایان بنتامی شروع می‌شود و تا مطلوبیت‌گرایان جدید و هارزانی ادامه می‌یابد و پس از آنها، رالز و آمارتیاسن دیدگاه‌های غیرمطلوبیت‌گرایانه‌ای را در این باب ارائه می‌دهند. اما در ادبیات اقتصاد اسلامی، پژوهشی که به‌طور مستقل به بحث اقتصاد رفاه با نگرش اسلامی و نقد اقتصاد رفاه متعارف پرداخته باشد، کمتر به چشم می‌خورد. از میان تحقیقات انجام شده می‌توان به چند پژوهش در این باره اشاره کرد:

۱. پژوهش آقای حلاق با نام:

"A NOTE ON THE EXISTENCE OF AN ISLAMIC SOCIAL WELFARE  
FUNCTION"

که با توجه به رهنمودهای اسلام، شرطی را به شرایط عدم امکان ارو<sup>۱</sup> می‌افزاید. این تحقیق تنها به گوشه‌ای از نقد اقتصاد رفاه متعارف اشاره دارد؛

۲. چودری (۱۹۹۱):

به طور عمده به نقش شورا در شکل‌گیری اقتصاد رفاه اسلامی می‌پردازد. این پژوهش نیز به بخش اندک دیگری از این مباحث اشاره دارد؛

۳. گیلک حکیم آبادی (۱۳۹۲) در صدد ارائه اقتصاد رفاه اسلامی است و در ضمن به بخش اندکی از چنین نقدهایی نیز پرداخته است؛

۴. کریمی (۱۳۹۲) نیز در صدد ارائه این تابع با نگرش اسلامی بوده است که آن نیز به بخشی از چنین نقدهایی اشاره دارد.

در این اثر، پس از بیان کلیات در فصل اول، فصل‌های دوم تا پنجم به تبیین توابع رفاه مطلوبیت‌گرایان قدیم و جدید، توابع رفاه رالز<sup>۲</sup> و آمارتیا سن<sup>۳</sup> اختصاص دارد. در این فصل‌ها سعی شده تا افزون بر توضیح متغیرها و معیارها در این توابع، بیان شود که چرا آنان چنین معیارهایی را برای رتبه‌بندی رفاه افراد جامعه برگزیده‌اند. در فصل ششم به برخی تقابل‌ها و همانندی‌های بنیادین در این توابع رفاه خواهیم پرداخت و توابع یاد شده از نظر گرایش به مطلوبیت و آزادی با یک دیگر مقابله خواهند شد. فصل هفتم به بررسی مبانی ارزشی و اعتقادی توابع یاد شده با نگرش اسلامی اختصاص دارد، از سویی این مطلب بیان خواهد شد که چرا برخی توابع یاد شده به مطلوبیت و برخی به آزادی به‌عنوان مبنایی برای رفاه فردی و اجتماعی گرایش پیدا کرده‌اند و دیدگاه اسلام در این باره چیست؟

---

1. Arrow, k. j.

2. Rawl.

3. Amartyasen k.

## ۲. تعریف‌ها و مفاهیم

هر تابعی از دو نوع متغیر تشکیل می‌شود: یکی متغیر وابسته که محور اصلی است و تغییرات آن در تابع مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ دیگری متغیر توضیحی است که عوامل تأثیرگذار در تغییرات متغیر وابسته را معرفی می‌کند. خود تابع نیز به تبیین چگونگی رابطه میان دو متغیر یاد شده می‌پردازد و میزان و نحوه تأثیرگذاری متغیر توضیحی بر متغیر وابسته را تبیین می‌کند. در تابع رفاه اجتماعی نیز متغیرها و روابط مذکور وجود دارند. در این تابع، وضعیت‌های اجتماعی بر حسب نقش و تأثیرشان در رفاه اجتماعی رتبه‌بندی می‌شوند. متغیر وابسته، رفاه اجتماعی است که تغییرات آن در این تابع بررسی می‌شود و متغیر توضیحی، وضعیت‌های اجتماعی هستند که تغییرات در رفاه اجتماعی را توضیح می‌دهند؛ تابع رفاه اجتماعی نیز با معیاری، وضعیت‌های یاد شده را بر حسب میزان رفاه اجتماعی آنها، رتبه‌بندی می‌کند؛ در این صورت می‌توان قضاوت کرد که از میان دو یا چند وضعیت اجتماعی، کدام یک رفاه اجتماعی بیشتری دارد.

آمارتیاسن، مفهوم تابع رفاه اجتماعی برگسون-ساموئلسن<sup>۱</sup> را که اکنون مفهومی پذیرفته شده در مجامع علمی است، چنین توصیف می‌کند: «تابع رفاه اجتماعی برگسون-ساموئلسن، در کلی‌ترین شکل خود بیانگر یک رابطه‌ای ترتیبی از مجموعه وضعیت‌های اجتماعی است. اگر  $X$  مجموعه وضعیت‌های اجتماعی باشد، تابع رفاه اجتماعی برگسون-ساموئلسن رابطه ترتیبی  $R$  است که بر روی  $X$  تعریف می‌شود. در عبارت‌های عددی، این تابع به صورت رابطه‌ای تابعی  $W$  تعریف می‌شود که مشخص کننده مقدار رفاه  $W(x)$  از هر وضعیت اجتماعی  $X$  متعلق به مجموعه  $X$  است.<sup>۲</sup>

در هر تعریفی از تابع رفاه اجتماعی مفاهیمی گنجانیده شده است که هر یک از آنها نیازمند توضیح هستند. این مفاهیم، دست‌کم، عبارت‌اند از: رفاه اجتماعی، وضعیت اجتماعی و معیار رتبه‌بندی وضعیت‌های اجتماعی. از این رو، لازم است به توضیح اجمالی این مفاهیم بپردازیم و در فصل‌های آینده مباحث اصلی را با تفصیل بیشتر بیان کنیم.

1. samuelson - bergson

۲. آمارتیاسن، در باب نابرابری اقتصادی، ص ۱۴.

## ۲-۱. رفاه اجتماعی

اصطلاح رفاه از کلمه قدیمی Farewell گرفته شده است که به معنی خوب بودن یا خوب شدن است و به معنای وسیعش، به وضعیتی گفته می‌شود که مناسب زندگی انسان است.<sup>۱</sup> هنگامی که چنین وضعیتی برای فرد مطرح باشد، منظور وضعیتی از رفاه اقتصادی است که برای زندگی هر فرد مناسب است؛ اما هنگامی که رفاه در سطح جامعه مطرح و رفاه اجتماعی نامیده می‌شود، منظور رفاه اقتصادی است که به جای فرد، برای جامعه مناسب باشد. طبیعی است که با مطرح کردن مفهوم جامعه، مسئله توزیع رفاه میان افراد جامعه نیز مطرح خواهد شد؛ از این رو، می‌توان گفت: رفاه اجتماعی، رضایتی است که از توزیع رفاه اقتصادی میان افراد جامعه حاصل می‌شود.

رفاه اجتماعی به دو معنای عام و خاص نیز به کار رفته است. مراد از رفاه اجتماعی به مفهوم عام، توجه به عموم افراد جامعه، صرف‌نظر از ویژگی‌های جسمانی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر یک از آنهاست. این بخش از برنامه‌های رفاه اجتماعی معمولاً با نام «حقوق ملت»، در قوانین اساسی کشورهای مختلف جای می‌گیرد؛ اما منظور از رفاه اجتماعی به مفهوم خاص، توجه به قشرهایی از افراد جامعه است که به دلیل ویژگی‌های خاص جسمی، روحی، شخصیتی، عاطفی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارای وضعیتی متفاوت از بقیه جامعه هستند که باید با توجه ویژه برنامه‌ریزان و کارگزاران رفاه اجتماعی مواجه باشند.<sup>۲</sup>

تقسیم‌بندی یاد شده و به‌طور کلی، بحث درباره‌ی شمول رفاه اجتماعی بر همه، یا برخی از افراد جامعه و نیز شمول آن بر تأمین همه‌ی خواسته‌ها یا تنها بر تأمین نیاز، بحثی درباره‌ی مفهوم رفاه اجتماعی نیست؛ بلکه درباره‌ی مصداق‌های آن است. مفهوم رفاه اجتماعی را بر خلاف مصداق‌ها و موارد آن می‌توان مفهوم بسیطی دانست که بر رضایت از فواید توزیع منابع و امکانات اقتصادی دلالت می‌کند. واژه «خیر اجتماعی» نیز که به همین معنا به کار می‌رود بر خوب بودن چنین توزیعی برای جامعه دلالت دارد؛ اما مصداق‌ها و موارد این مفهوم، نکات دیگری افزون بر این معنای بسیط دارند که گاه مورد اختلاف صاحب‌نظران قرار گرفته است. تعیین محدوده‌ی این مصداق‌ها، به‌طور عمده به نیازهای اساسی هر جامعه بستگی دارد. در یک

۱. میجلی، رفاه اجتماعی در جهان، ص ۵.

۲. زاهدی اصل، مبانی رفاه اجتماعی، ص ۱۷ و ۱۹؛ آراسته‌خو، تأمین و رفاه اجتماعی، ص ۵.

دسته‌بندی، این نیازهای اساسی این‌گونه بیان شده‌اند: «این سه جنبه، یعنی رفع مشکلات جامعه، برخورد با نیازها و ایجاد فرصت‌ها، همه با هم ترکیب می‌شوند تا نیازهای اساسی جامعه را در برگیرند و به وضعیتی از بهبود و رفاه دست یابند. وقتی همه این ابعاد تأمین شدند، خانواده‌ها، گروه و جامعه، از سطح رضایت بخش رفاه بهره می‌برند»<sup>۱</sup>.

اختلاف در تعیین مصداق‌ها و موارد رفاه اجتماعی به این دلیل است که آنها به ارزش‌های پذیرفته شده در هر جامعه ارتباط دارند. رفع مشکلات، تأمین نیازها و فراهم آوردن فرصت‌ها برای افراد که عمده این مصداق‌ها به شمار می‌آیند، در جوامع مختلف، متفاوت‌اند. برای نمونه، این موارد در یک جامعه، بر حسب امور دنیایی و مادی و در جامعه دیگر، بر حسب امور معنوی و اخروی تعیین می‌شوند.

برای اینکه میزان رفاه در هر جامعه را بتوان به‌طور ملموس‌تر ارزیابی کرد، شاخص‌هایی نیز برای رفاه ارائه شده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- شادکامی و خوشبختی؛
- امنیت در درآمد، اشتغال، مسکن و...؛
- برآورده شدن ترجیحات و آرزوها؛
- رفع نیازها؛
- استحقاق، به‌عنوان عاملی برای توزیع کالاهای اجتماعی؛
- سطح رفاه در مقایسه با رفاه دیگران. البته، در عین حال که هیچ‌یک از این موارد به تنهایی برای فراهم آوردن رفاه کافی نیستند،<sup>۲</sup> می‌توان گفت: عمده آنچه به‌عنوان شاخص رفاه معرفی می‌شود نیز به مصداق‌ها و موارد رفاه اشاره دارند و می‌توانند در جوامع مختلف، متفاوت باشند؛ از این‌رو، شاخص‌های رفاه نیز همانند مصداق‌های رفاه، امری نسبی بوده و نسبت به جوامع مختلف، متفاوت هستند. در این صورت ممکن است یکی از این امور برای یک فرد یا یک جامعه، شاخص رفاه و نسبت به فرد یا جامعه دیگر، شاخصی برای فقدان رفاه به شمار آید. برای نمونه، شاخص «سطح رفاه در مقایسه با رفاه دیگران» برای فرد یا جامعه‌ای که تنها از مصرف‌های شخصی خود و براساس چشم و هم‌چشمی رفاه به‌دست می‌آورد و چه بسا نسبت

۱. میجلی، رفاه اجتماعی در جهان، ص ۵.

۲. فیتس، نظریه رفاه = Welfare Theory (سیاست اجتماعی چیست؟)، ص ۲۰-۲۷.



به دیگران تا اندازه‌ای بخل و حسادت می‌ورزد، شاخص خوبی است؛ اما برای فرد یا جامعه‌ای که چنین خصلت‌هایی را ندارد، شاخص خوبی نیست.

عواملی که موجب فراهم آمدن رفاه می‌شوند نیز همانند شاخص‌ها و مصداق‌های رفاه می‌توانند در جوامع مختلف، متفاوت باشند. این عوامل مانند: امکانات اولیه، منابع، درآمد واقعی، تولید ناخالص داخلی و...<sup>۱</sup> نیز نسبت به جوامع مختلف، نسبی و ارزش‌های افراد و جوامع در آنها دخیل هستند. برای مثال، برای جامعه‌ای، تولید ناخالص داخلی رفاه اجتماعی را فراهم می‌سازند و برای جامعه دیگر، امکانات اولیه زمینه‌های رفاه اجتماعی را فراهم می‌آورند.

نتیجه اینکه، مفهوم رفاه اجتماعی، دست‌کم از این نظر با مصداق‌ها، شاخص‌ها و عوامل پدیدآورنده آن تفاوت دارد که می‌تواند در همه جوامع با اعتقادات و ارزش‌های مختلف، یکسان باشد؛ اما موارد دیگر یاد شده، ممکن است در جوامع مختلف، متفاوت باشند. این پژوهش در مباحث آینده نیز با مفهوم، مصداق‌ها، شاخص‌ها و عوامل پدیدآورنده رفاه اجتماعی بسیار سروکار خواهد داشت و هر جا مباحث اصلی نیازمند به توضیح درباره آنها باشند، دوباره از آنها بحث خواهد شد. در بحث وضعیت‌های اجتماعی در همین فصل نیز درباره مصداق‌های رفاه اجتماعی سخن خواهیم گفت.

## ۲-۲ وضعیت‌های اجتماعی

به‌طور کلی وضعیت‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: یکی مربوط به حوزه ترجیحات فردی است و دیگری به حوزه ترجیحات اجتماعی. هر وضعیت در حوزه ترجیحات فردی، از مجموعه رفاه برای یک فرد تشکیل می‌شود. هر فرد برای انتخاب بهینه، با توجه به اهداف و خواسته‌های خود، وضعیت‌های رفاهی متفاوتی که برای او متصور است، رتبه‌بندی و از میان آنها گزینش می‌کند. به‌طور مشابه، وضعیت‌های اجتماعی نیز از مجموعه رفاه برای کل جامعه تشکیل می‌شوند. یک وضعیت اجتماعی به معنای وسیع آن، وضعیتی است که همه جنبه‌های رفاهی متداول در یک جامعه دارا باشد؛ اما این تعریف منحصر به فرد نیست و می‌توان آن را به‌طور محدودتر نیز تعریف کرد.<sup>۲</sup>

۱. آمارتیا سن، برابری و آزادی، ص ۶۳.

2. Pattanaik, "Social Welfare Function", p. 663.

وضعیت‌های فردی و اجتماعی از این نظر با یکدیگر تفاوت دارند که در وضعیت‌های اجتماعی به جای رفاه یک فرد، رفاه همه افراد جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد. با توجه به این تفاوت، این پرسش مطرح می‌شود که: منظور از رفاه همه افراد چیست؟ آیا تنها منظور رفاهی است که با یکایک افراد جامعه متناظر است، یا اینکه شامل رفاه اجتماعی که با یکایک رفاه فردی متناظر نیست نیز می‌شود؟ از این رو، وضعیت‌های اجتماعی به دو صورت متصور خواهند بود: یک صورت آن است که تنها مقداری از کالاها و خدمات معین توزیع شده به سبب مصرفی مصرف‌کنندگان و مقداری از کالاها و خدمات معینی که از طریق تولید به تولیدکنندگان اختصاص می‌یابد، در نظر گرفته شود<sup>۱</sup> و صورت دیگر که ارو به آن اشاره می‌کند، وضعیت‌های اجتماعی به موارد یاد شده محدود نمی‌شود، بلکه او معتقد است: در نظر گرفتن تنها پیامدهای فردی یک کنش و جدا کردن آن از پیامدهای اجتماعی، مسئله‌ای بسیار پیچیده است. وی در این باره می‌گوید: «فلسفه سیاسی که بر اقتصاد رفاه سنتی نیز تسلط دارد، چنین ادعا می‌کند که ترجیحات یک فرد تنها به آثار کنش‌های جمعی مؤثر بر خود وی مربوط است؛ در صورتی که با هیچ روش منطقی نمی‌توان میان پیامدهای خاص متعلق به فرد (پیامدهای فردی و اجتماعی) تمایز قائل شد. اگر من احساس کنم که رضایت‌مندی من با فقیر شدن (یا پولدار شدن) فردی دیگر کاهش می‌یابد، آنگاه من دقیقاً به همان اندازه ضرر دیده‌ام که اگر قدرت خرید خودم کاهش می‌یافت. با همین منطقی در اینجا به این نتیجه می‌رسیم که ما نمی‌توانیم کنش‌های اجتماعی را طوری عامل‌یابی کنیم که هر عنصر تنها به فرد مشخص تعلق بگیرد؛ از این رو، نمی‌توان پیامدهای کنش‌های جمعی را به روش معناداری به پیامدهای قابل تفکیک و متناظر با افراد یک جامعه در نظر گرفت»<sup>۲</sup>.

این عقیده ارو، موجب شده است که او به پیامدهای اجتماعی کنش‌ها نیز توجه کند و دست‌کم فعالیت‌های جمعی که فایده‌هایی را عاید جامعه می‌کنند ولی متناظر با یکایک افراد نیستند، به فهرست متغیرهای مربوط به وضعیت‌های اجتماعی بیفزاید. با توجه به نکته یاد شده، وی مجموعه‌ای کامل و دقیق از وضعیت‌های اجتماعی را چنین توصیف می‌کند: «مقدار هر نوع کالای در دست هر فرد، مقدار نیروی کاری که هر فرد به کار می‌گیرد، مقدار هر منبع مولدی که

---

1. Ibid

2. Arrow, "Values And Collective Decision-Making In Philosophy", P. 124.

در هر نوعی از فعالیت تولیدی سرمایه‌گذاری می‌شود و مقادیر انواع فعالیت‌های جمعی، مانند خدمات مربوط به شهر و شهرداری، امور سیاسی و استمرار فعالیت‌های جمعی از طرق دیگر و ساختن مجسمه‌هایی برای انسان‌های مشهور»<sup>۱</sup>.

توصیف ارو از وضعیت‌های اجتماعی عام‌تر از توصیف پتتیک است؛ زیرا هم شامل رفاه یکایک افراد و هم شامل رفاه جمعی که متناظر با رفاه یکایک افراد نیست، می‌شود. البته هر یک از این دو نوع رفاه، مصداق‌های فراوانی دارند که توابع رفاه اجتماعی ارائه شده در گزینش و پذیرش آنها اختلاف نظر دارند. بلکه همان‌گونه که در بحث رفاه اجتماعی گفته شد: اعتقادات و ارزش‌ها در گرایش به مصداق‌های خاصی از رفاه تأثیر دارند؛ از این رو، بحث درباره اینکه هر یک از توابع رفاه اجتماعی چه نوع وضعیت‌ها و چه موارد و مصداق‌هایی از رفاه را در رتبه‌بندی خود مورد توجه قرار می‌دهند، به تفاوت‌ها در اعتقادات و ارزش‌های جوامع مورد مطالعه این توابع مربوط می‌شود.

## ۲-۳ رتبه‌بندی وضعیت‌های اجتماعی

بحث از رتبه‌بندی در تابع رفاه اجتماعی، در حقیقت بحث از چگونگی ارتباط میان وضعیت‌های اجتماعی به‌عنوان متغیر توضیحی و رفاه اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته است. سخن در این است که کدام یک از این وضعیت‌ها رفاه اجتماعی بیشتری را به بار می‌آورند و به این لحاظ، نسبت به وضعیت‌های دیگر مقام بالاتری را در گزینش کسب می‌کنند. در رتبه‌بندی وضعیت‌های اجتماعی مشخص می‌شود: هر وضعیت اجتماعی در مقایسه با وضعیت‌های دیگر از چه وزن و ارزشی برخوردار است. این وزن‌ها به‌طور معمول تکثر و تعدد دارند؛ از این رو، برای تسهیل در سیاست‌گذاری، به معیاری نیاز است که این وزن‌ها را انسجام بخشد و آنها را یکنواخت سازد. این معیار، سیاست‌گذاران اقتصادی را بر رتبه‌بندی وضعیت‌های اجتماعی و ترجیح یک وضعیت بر وضعیت دیگر قادر می‌سازد و آنان را به توزیعی از منابع اقتصادی میان افراد که بیشترین رفاه اجتماعی را فراهم سازد، رهنمون می‌شود. بحث از رتبه‌بندی وضعیت‌های اجتماعی و معیار آن، یکی از مباحث اصلی این پژوهش به‌شمار می‌آید. این معیار در توابع مطلوبیت‌گرایان قدیم و جدید،

1. Arrow, "A Difficulty In The Concept Of Social Welfare" P. 152-153.

رالز و آمارتیا سن متفاوت است که در فصل‌های مربوط به هر یک از این توابع از آنها بحث خواهد شد.

بحث از تبیین معیار رتبه‌بندی در توابع رفاه اجتماعی درباره این موضوع است که هر یک از معیارهای رتبه‌بندی به چه دلیل ارائه شده‌اند و از چه مبنا و پایه‌ای نشئت می‌گیرند.

## ۲-۴. چستی تابع رفاه اجتماعی

برای درک بهتر از ماهیت توابع رفاه اجتماعی می‌توان آنها را با توابع مطلوبیت فردی مقایسه کرد. در بی‌تفاوتی‌های مطلوبیت، وضعیت‌های فردی با یکدیگر مقایسه می‌شوند. هر وضعیت فردی مجموعه‌ای از رفاه برای یک فرد است که او در انتخاب بهینه، با توجه به اهداف و خواسته‌های خود، این وضعیت‌های رفاهی متفاوت را رتبه‌بندی و از میان آنها گزینش می‌کند. این وضعیت‌های فردی دست‌کم از دو نوع رفاه می‌توانند تشکیل شوند: یکی رفاه و مطلوبیتی که هر فرد از مقدار معینی از یک نوع کالا یا خدمت کسب می‌کند و دیگری رفاه و مطلوبیتی که آنان از هر سبد تشکیل شده از دو یا چند نوع کالا یا خدمت عاید خود می‌کنند. هر فرد برای دستیابی به بیشترین مطلوبیت، با معیار و شاخصی که در مطلوبیت‌های او بیشترین تأثیر را دارد، وضعیت‌های فردی خود را با یکدیگر مقایسه و میان آنها رتبه‌بندی می‌کند. این معیار می‌تواند لذت و منفعت دنیوی یا اخروی، کوتاه مدت یا بلند مدت، مربوط به خود یا دیگران، یا هر معیار دیگری باشد.

اما در بی‌تفاوتی‌های رفاه اجتماعی به جای وضعیت‌های فردی، وضعیت‌های اجتماعی با یکدیگر مقایسه و رتبه‌بندی می‌شوند. همان‌گونه که گفته شد هر وضعیت اجتماعی که از یک سبد رفاهی مربوط به همه افراد جامعه تشکیل می‌شود، وضعیتی است که همه جنبه‌های رفاهی متداول در یک جامعه یا محدوده خاصی از آن را در بر داشته باشد.<sup>۱</sup> با داشتن یک تابع رفاه اجتماعی، می‌توان وضعیت‌های اجتماعی یاد شده را با یکدیگر مقایسه و از میان آنها بهتر یا بهترین را که از مفهوم رفاه اجتماعی گرفته شده است، برگزید.

با این وصف، تابع رفاه اجتماعی همانند تابع مطلوبیت، یک تابع ریاضی است که متغیر وابسته آن، رفاه اجتماعی و متغیر توضیحی آن، وضعیت‌های رفاهی اجتماعی هستند. هر

---

1. Pattanaik, "social welfare function", P. 663.

### کلیات ۱۳

وضعیت اجتماعی، همانند وضعیت‌های فردی، دست‌کم به دو لحاظ، ارزیابی و با وضعیت‌های اجتماعی دیگر مقایسه می‌شود: یک، از نظر نوع رفاه موجود در هر وضعیت و دو، از نظر توزیع این رفاه میان افراد جامعه با این دو ارزیابی می‌توان وضعیت بهتر یا بهترین وضعیت اجتماعی را برای جامعه معرفی کرد. بدیهی است که تشخیص وضعیت بهتر یا بهترین وضعیت، به معیار و شاخصی نیاز دارد که نزد جامعه مورد نظر بیشترین اهمیت در تعیین نوع و توزیع رفاه را داشته باشد.

در توابع رفاه اجتماعی، وضعیت‌های مختلف اجتماعی با یکدیگر مقایسه و رتبه‌بندی می‌شوند، از این رو، نکته اساسی، درباره چگونگی این رتبه‌بندی در توابع یاد شده است؛ در این حوزه، بحث درباره این است که جوامع مختلف با توجه به ایده‌های اجتماعی خودشان چه معیار و وزنی را برای رتبه‌بندی وضعیت‌های اجتماعی سازگار می‌دانند؛ به دیگر سخن، این بحث، این پرسش اساسی را پاسخ می‌دهد که در جوامع مختلف هر واحد از رفاه برای هر فرد چه مقدار از ارزش اجتماعی برخوردار است و چقدر بر رفاه اجتماعی می‌افزاید. از آنجا که وزن‌دهی در تابع رفاه اجتماعی، به طور مستقیم با ارزش‌ها و اعتقادات هر جامعه سروکار دارد، در اینجا باید از این نکته نیز سخن گفت که وزن‌ها و معیارهای رتبه‌بندی در هر جامعه از چه ایده‌های اجتماعی نشئت گرفته‌اند.



## فصل دوم

### توابع رفاه مطلوبیت گرایان قدیم

در طول بیش از یک قرن، مطلوبیت‌گرایی پرنفوذترین و غالب‌ترین نظریه اخلاقی به‌شمار می‌رفته است. در ابتدا پیگو<sup>۱</sup> اقتصاد رفاه قدیم را براساس مبانی فلسفه اخلاق بنتام<sup>۲</sup> در سال ۱۹۲۰م، پایه گذاشت و پس از آن به همراه سیاست‌های عمومی مبتنی بر آن با ایده‌های جرمی بنتام با شکل منظم‌تری ارائه شد. این رویکرد، مطلوبیت کل افراد از کالاها و خدمات را مورد توجه قرار می‌دهد. از آنجا که مطلوبیت کل از مطلوبیت‌های بکایک افراد تشکیل می‌شود، اگر هر فرد به دنبال تحصیل لذت‌های شخصی خود باشد و تزامنی در کار نباشد، بیشترین رفاه ممکن برای کل جامعه نیز فراهم خواهد شد. بنابراین، هر تغییری در مطلوبیت هر فرد از افراد جامعه، وضعیت اجتماعی دیگری از مطلوبیت کل را پدید می‌آورد که با وضعیت قبل از تغییر، قابل مقایسه است و می‌توان با معیار تابع رفاه اجتماعی مورد نظر، رجحان یکی را بر دیگری اثبات کرد. از این طریق، معیار رتبه‌بندی وضعیت‌های اجتماعی به مطلوبیت هر فرد از افراد جامعه ارتباط می‌یابد و هر مطلوبیت کل، که مطلوبیت بیشتری از افراد جامعه را در خود جای دهد، بر مجموعه دیگر ترجیح خواهد داشت.<sup>۳</sup>

تابع رفاه یاد شده از سوی اقتصاددانانی همچون جان استوارت میل<sup>۴</sup> و ویلیام استانلی جونز<sup>۵</sup>، هنری ساجویک<sup>۶</sup>، فرانسیس اجورث<sup>۷</sup>، آلفرد مارشال<sup>۸</sup> و آرتور پیگو

---

1. Arthur C. Pigou

2. Jeremy Bentham

۳. کاپلستون، تاریخ فلسفه، ج ۸، ص ۲۷.

4. John Stuart Mill

5. William Stanley Jevons

6. Henry Sidgwick

7. Francis Ysidro Edgeworth

8. Alfred Marshal

ادامه یافت. <sup>۱</sup> پس از آنان نیز اقتصاددانانی همانند کوز، کالدور و هیکس، با ارائه «اصل جبران خسارت» دیدگاه پیگو را کامل تر کردند. در این فصل که به توابع رفاه مطلوبیت گرایان قدیم اختصاص دارد، نخست به تشریح تابع رفاه مبتنی بر دیدگاه بنتمام و چگونگی رتبه‌بندی در آن می‌پردازیم؛ سپس معیار رتبه‌بندی میان وضعیت‌های اجتماعی را در تابع پارتویی و توابعی که با توجه به جبران خسارت مطرح شده‌اند بررسی خواهیم کرد. در پایان این فصل نیز معیارهای رتبه‌بندی در توابع رفاه مطلوبیت گرایان قدیم را تبیین و ریشه‌یابی می‌کنیم.

### ۱. تبیین تابع رفاه مطلوبیت گرایان قدیم

در این رویکرد که مطلوبیت هر فرد معرّف اندازه لذت یا خشنودی اوست، هدف این است که مطلوبیت و خواسته یکایک افراد مورد توجه قرار گیرد. <sup>۲</sup> پیگو نیز بر همین اساس در سال ۱۹۲۰م علم اقتصاد رفاه قدیم را به هدف کمک به بهبود زندگی انسانی ابداع کرد. در این نظریه فرض می‌شد: مطلوبیت‌های افراد قابل شمارش و با یکدیگر قابل مقایسه هستند. وی بر اساس این فرض، بیشینه رفاه اجتماعی را در بیشینه کردن مجموع رفاه‌های فردی، یعنی ایده بنتمام، دانست و آن را در تخصیص بهینه اجتماعی منابع، هدف قرار داد. <sup>۳</sup> همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد، این دیدگاه به دلایلی به شکل اولیه‌اش، یعنی با فرض قابل شمارش بودن مطلوبیت‌ها و امکان مقایسه میان آنها، در حال حاضر منسوخ شده است و حتی دیدگاه پیگو نیز دیگر بر مبنای ایده‌های بنتمام ارائه نمی‌شود؛ اما در عین حال بحث درباره این تابع می‌تواند مقدمه‌ای برای ورود به بحث مطلوبیت‌گرایی جدید به حساب آید و از این نظر حائز اهمیت باشد. به همین دلیل ما نیز آن را در اینجا مورد بحث قرار خواهیم داد.

#### ۱-۱. چگونگی رتبه‌بندی میان وضعیت‌های اجتماعی در تابع رفاه بنتمامی

مطلوبیت‌گرایی بنتمامی در رتبه‌بندی وضعیت‌های اجتماعی، مجموع مطلوبیت‌های افراد جامعه را مورد توجه اصلی قرار می‌دهد. هدف تابع رفاه اجتماعی بنتمامی، بیشینه کردن مجموع

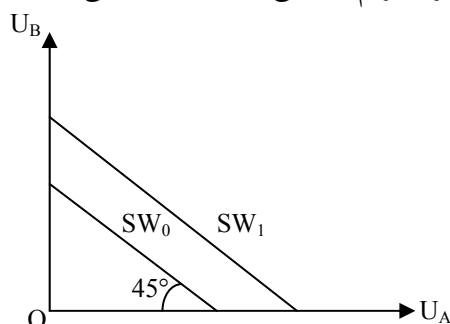
۱. آمارتیا سن، در باب نابرابری اقتصادی، ص ۸۷. ۲. همان، ص ۸۶.

3. Suzumura, "Social welfare Function", P. 418.



توابع رفاه مطلوبیت گرایان قدیم ۱۷

مطلوبیت مربوط به بیشترین تعداد ممکن از اعضای جامعه است.<sup>۱</sup> بر طبق این مبنا، اگر هر فرد بیشترین مطلوبیت را برای خود تحصیل کند، در عمل و در صورت عدم تزامم، بیشترین مطلوبیت ممکن برای کل جامعه فراهم خواهد شد.<sup>۲</sup> زیرا جامعه از افراد تشکیل می‌شود و بیشترین مطلوبیت برای یکایک افراد، بیشترین مطلوبیت برای جامعه نیز به حساب می‌آید؛ از این رو می‌توان گفت: در رویکرد بنتامی، یک وضعیت اجتماعی در صورتی بر وضعیت اجتماعی دیگر ترجیح دارد که مطلوبیت‌های بیشتری را برای افراد نسبت به وضعیت دیگر دربرداشته باشد. براین اساس، معیار رتبه‌بندی این وضعیت‌ها، میزان مطلوبیت افراد در هر وضعیت اجتماعی خواهد بود. هر اندازه مطلوبیت حاصل از فعالیت اقتصادی برای افراد افزایش یابد، رفاه اجتماعی نیز به همان اندازه افزایش می‌یابد. در این معیار، مطلوبیت فرد غنی از فرد فقیر تفکیک نمی‌شود؛ بلکه به همه آنها وزن یکسان داده می‌شود. اگر این تابع را در یک جامعه دو عضوی در نظر بگیریم، منحنی رفاه یکسان، خطی و با شیب ۱- رسم می‌شود.



نمودار ۲-۱: منحنی‌های رفاه یکسان خطی و با شیب ۱-

در این نمودار  $U_A$  و  $U_B$  مطلوبیت افراد A و B است و خطوط  $SW_0$  و  $SW_1$  رفاه یکسان مطلوبیت‌گرایان بنتامی هستند که با زاویه  $45^\circ$  و با شیب ۱- رسم شده‌اند. چنین تابعی در یک جامعه‌ای n عضوی به صورت زیر نشان داده می‌شود:

$$(1-2) \quad w = \sum_{i=1}^n U_i$$

که در آن W رفاه اجتماعی و  $U_i$  مطلوبیت فرد iام است.

۲. اتکینسون، درآمدی به فلسفه اخلاق، ص ۱۱۱.

۱. کاپلستون، تاریخ فلسفه، ج ۸، ص ۲۷.

در این تابع، تغییر یک وضعیت اجتماعی به وضعیت دیگر در صورتی قابل توجیه است که مطلوبیت بیشتری را برای افراد جامعه دربرداشته باشد. اگر سیاستی موجب لذت برای فردی و رنج برای فرد دیگر شود، این سیاست در صورتی موجه است که لذت مذکور بیش از رنج آن باشد. بهترین سیاست نیز آن است که بیشترین لذت و کمترین رنج را برای همه افراد جامعه در پی داشته باشد. اگر از میان دو سیاست، به طور کلی، یکی از آنها لذت بیشتری را برای افراد جامعه به همراه داشته باشد، آن سیاست بر سیاست دیگر ترجیح خواهد داشت. به همین طریق می توان با این معیار، همه سیاست های اقتصادی را ارزیابی کرد. خواص مذکور را می توان با فرم خاص ریاضی از این تابع به صورت زیر بیان نمود:

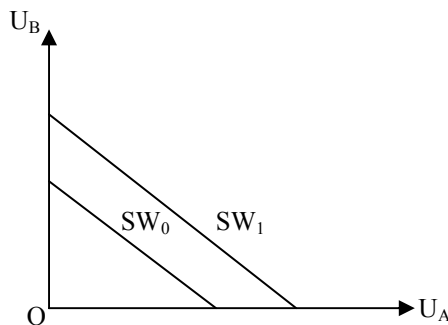
$$(۲-۲) \quad W = \frac{\sum_{i=1}^n a_i (u_i)^{1-e}}{1-e}$$

این فرم خاص و عمومی برای توابع رفاه اجتماعی ( $W$ ) است که کشش جانشینی در آنها ثابت است و خواص توابع مطلوبیت گرایان بنتامی به صورت زیر بیان می شود:

$$(۳-۲) \quad a_i = 1$$

$$(۴-۲) \quad e = 0$$

برخی از اقتصاددانان از نظر شمارشی بودن مطلوبیت ها با دیدگاه بنتامی موافق اند؛ اما وزن یکسان را برای مطلوبیت های همه افراد جامعه مناسب ندانسته اند. آنان معتقدند مطلوبیت های هر یک از افراد جامعه از وزنی مختص به خود برخوردار است و این وزن ها می تواند در بین افراد جامعه متفاوت باشد. منحنی های رفاه یکسان در نمودار ذیل تصویری از این دیدگاه را نشان می دهد:



نمودار ۲-۲: منحنی های رفاه یکسان با شیبی متفاوت با ۱-

در این نمودار  $U_A$  و  $U_B$  مطلوبیت افراد  $A$  و  $B$  است و منحنی‌های خطی  $SW_1$  و  $SW_2$  رفاه یکسان را نشان می‌دهد که دیگر با زاویه  $45^\circ$  و با شیب ۱- رسم نشده‌اند. این نمودار نشان می‌دهد که مطلوبیت‌های فرد  $A$  نسبت به فرد  $B$  از وزن کمتری برخوردار است.

## ۱-۲. تبیین معیار رتبه‌بندی در تابع رفاه مطلوبیت‌گرایان بنتامی

بحث از تبیین معیار رتبه‌بندی در توابع رفاه اجتماعی سخن از این است که هر یک از معیارهای رتبه‌بندی به چه دلیل ارائه شده‌اند و از چه مبنایی نشئت می‌گیرند. در مورد تابع رفاه اجتماعی بنتامی نیز یکی از مهم‌ترین سؤال‌ها این است که بنتام از چه روی برای رتبه‌بندی وضعیت‌های اجتماعی در تابع رفاه خود، مطلوبیت را به‌عنوان معیار معرفی کرده است. در توجیه و تبیین هدف از این معیار در نظر بنتام می‌توان دیدگاه‌های او را در ارتباط با این موضوع مورد بحث قرار داد. در این باره دست‌کم سه بیان در نظریات او یافت می‌شود. وی در یک بیان معتقد است انسان‌ها در عمل و به‌طور طبیعی به دنبال منافع و لذت‌های شخصی خود هستند.<sup>۱</sup> این بیان که نظریه‌ای را دربارهٔ ترجیحات فردی انسان‌ها بیان می‌کند و در حقیقت به دیدگاه روان‌شناختی او مربوط می‌شود، این‌گونه به رفاه اجتماعی پیوند داده می‌شود که رفاه اجتماعی در نظر او از مجموع رفاه افراد جامعه تشکیل شده است؛ در این صورت افزایش منافع و لذت‌های یکایک افراد به مثابه افزایش رفاه اجتماعی خواهد بود.

این دیدگاه صرف‌نظر از صحت و سقم آن نمی‌تواند به‌عنوان ایده‌ای دربارهٔ تابع رفاه اجتماعی بنتام مطرح شود؛ زیرا این بیان تنها از این موضوع خبر می‌دهد که افراد یک جامعه در پی منافع و لذت‌های شخصی هستند و چنین منافی را در تصمیم‌گیری‌هایشان مورد توجه قرار می‌دهند و این موضوع به وضعیت‌های فردی افراد و نه به وضعیت‌های اجتماعی جامعه مربوط است؛ در صورتی که مطلوبیت‌گرایان بنتامی هدف وسیع‌تری را از تابع رفاه خود دنبال می‌کنند. ایدهٔ آنان این است که جامعه، نه یکایک افراد، بیشترین مطلوبیت را داشته باشد؛ به دیگر سخن، «در مکتب سودگرایی، ارزش اخلاقی کار براساس سودی که از آن کار عاید افراد - و نه تنها سودی که مستقیم عاید فاعل اخلاقی - می‌شود، تعیین می‌گردد. به بیان دیگر، سودگرایان برای آنکه ارزش کار کسی را محاسبه کرده و وظیفهٔ اخلاقی او را تعیین کنند، مجموع سود و

---

۱. کمپبل، خودگروی، ص ۲۲.

زیانی را که آن کار برای افراد دارد، بی طرفانه در نظر می‌گیرند و برآیند آنها را محاسبه می‌کنند.<sup>۱</sup> با توجه به این ایده مطلوبیت‌گرایی بنتامی مبنی بر اهمیت بیشینه شدن مجموع مطلوبیت‌های افراد جامعه این سؤال مطرح می‌شود که آیا از نظر بنتام مطلوبیت کل از اهمیت ویژه برخوردار است و مطلوبیت یکایک افراد به لحاظ اینکه در مطلوبیت کل تأثیر دارد ارزشمند است، یا قضیه بر عکس است؛ یعنی مطلوبیت‌های افراد از اهمیت ویژه و مطلوبیت کل به لحاظ اینکه از مطلوبیت‌های افراد تشکیل شده از اهمیت برخوردار است. از برخی گفته‌های بنتام به نظر می‌رسد که وی منافع و مطلوبیت‌های کل جامعه را به‌عنوان مطلوب اصلی مورد توجه قرار می‌دهد. در این باره از وی نقل شده است که هر فرد باید آن‌گونه عمل کند که بیشترین لذت را در جهان برای همه به ارمغان آورد.<sup>۲</sup> براساس این گفته، وضعیت‌های اجتماعی که از خوشی، لذت و مطلوبیت کل جامعه تشکیل شده و نه مطلوبیت یکایک افراد، اهمیت ویژه و اصیل دارد. بر این اساس، وضعیت اجتماعی که خوشی، لذت و مطلوبیت بیشتری برای کل جامعه داشته باشد، نسبت به وضعیت اجتماعی دیگر، ترجیح خواهد داشت.

به نظر می‌رسد، گرچه این بیان به ظاهر جامعه را به جای فرد هدف قرار می‌دهد؛ اما اهمیت یکایک افراد را در کل جامعه انکار نمی‌کند. وضعیت‌های اجتماعی در تابع رفاه بنتام نیز از مجموع وضعیت‌های فردی که هر یک حاوی مطلوبیت‌هایی از هر فرد است، تشکیل شده‌اند؛ بنابراین، در این گفته‌ها نیز بنتام به خوشی، لذت و مطلوبیت‌های یکایک افراد توجه ویژه دارد. در حقیقت هدف وی از ارائه چنین تابعی بیشینه کردن برآیند لذت و رنج مربوط به بیشترین تعداد ممکن از اعضای جامعه است.<sup>۳</sup>

با توجه به آنچه گفته شد، در حقیقت از نظر مطلوبیت‌گرایان بنتامی، هدف قرار دادن سود خود با هدف قرار دادن سود دیگران ارزش یکسانی دارد؛ بلکه ارزش سود جامعه از ارزش سود یکایک افراد ناشی می‌شود؛ اگر چنین است، چرا آنان بر محاسبه سود عمومی و مطلوبیت کل تأکید می‌کنند؟ پاسخ سودگرایان این است که چون سود فرد و سود جمع بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، برای تعیین سود فرد نمی‌توان تنها به سودهایی توجه کرد که مستقیم عاید او می‌شوند و در نتیجه برای محاسبه سود واقعی فرد، راهی جز به حساب آوردن سود عمومی نیست.

۲. محمودیان، اخلاق و عدالت، ص ۶۹.

۱. مصباح، مجتبی، «بنیاد اخلاق»، ص ۱۸۴.

۳. کاپلستون، تاریخ فلسفه، ج ۸، ص ۲۷.

همان‌گونه که اعضای یک شرکت تعاونی در سود و زیان یکدیگر شریک‌اند، افراد جامعه نیز به گونه‌ای با یکدیگر ارتباط دارند که در سود و زیان یکدیگر شریک هستند.<sup>۱</sup>

خلاصه اینکه، مطلوبیت‌گرایان بنتامی با توجه به فلسفه لذت‌جویی که با فلسفه مطلوبیت‌گرایی مرتبط است، خیر فردی را مطلوبیت‌های هر فرد به حساب می‌آورند. خیر اجتماعی نیز از مجموع خیرهای فردی تشکیل می‌شود و برای محاسبه آن باید برابری همه مطلوبیت‌ها و نامطلوبیت‌های ناشی از یک سیاست را با هم جمع کرد. این مطلب در حقیقت، مفاد این قضیه بنیادی است که تنها تمایلات، لذت‌ها و مطلوبیت‌های افراد در رفاه اجتماعی تأثیر مستقیم دارند و تأثیر هر چیز دیگر نیز به پایه تخت لذت و رنج بسته شده است.<sup>۲</sup> در این صورت، اگر برابری مطلوبیت‌های افراد در یک وضعیت اجتماعی بیشتر از وضعیت دیگر باشد، آن وضعیت ترجیح خواهد داشت؛ بنابراین، معیار رجحان اجتماعی در این دیدگاه اندازه مطلوبیت است.

در زمینه اقتصاد نیز هر سیاستی می‌تواند مطلوبیت‌ها و نامطلوبیت‌هایی را برای افرادی به بار آورد؛ از این رو، برای ارزیابی این سیاست‌ها نه تنها جمع مطلوبیت‌های حاصل از آنها کافی نیست؛ بلکه لازم است برابری مطلوبیت‌ها و نامطلوبیت‌های آن مورد توجه قرار گیرد؛ به دیگر سخن، در عرصه اجتماع، برابری اثرات مطلوبیتی یک سیاست که به افراد جامعه تعلق دارد به‌عنوان خیر اجتماعی به شمار می‌آید.

### ۱-۳. نقد شمارشی بودن مطلوبیت‌ها در رویکرد بنتامی

تابع رفاه بنتامی به شمارشی دانستن مطلوبیت معروف است که به همین دلیل با نقد بسیاری از اقتصاددانان مواجه شده است و عمده توابع بعد از آن، از این اشکال عبور و توابع مطلوبیت را به صورت ترتیبی مطرح کردند. یک اشکال به شمارشی بودن مطلوبیت این است که اگر بنا باشد این شمارش از سوی افراد حائز مطلوبیت انجام گیرد، آنان به انجام چنین شمارشی حتی در مورد مطلوبیت‌های خود، قادر نیستند. چگونه حتی یک فرد می‌تواند رنج و درد ناشی از شکنجه و لذت حاصل از خوردن شیرینی را در ذهن خود به‌شماره درآورد و به‌طور دقیق آنها را با هم مقایسه کند.<sup>۳</sup> با فرض چنین اشکالی، وضعیت‌های اجتماعی نیز

۱. مصباح، مجتبی، «بنیاد اخلاق»، ص ۱۸۴-۱۸۵. ۲. کاپلستون، تاریخ فلسفه، ج ۸، ص ۲۴.

۳. بکر، مجموعه مقالات فلسفه اخلاق (برگرفته از دائرةالمعارف لارنس بکر)، ص ۵۲.

که از مطلوبیت‌های افراد تشکیل شده‌اند قابل شمارش نیستند؛ از این رو، جمع زدن آنها نیز امکان‌پذیر نخواهد بود.

اشکال دیگر، به جمع زدن مطلوبیت‌ها، صرف‌نظر از قابل شمارش نبودن آنها برای هر فرد، اشاره دارد. به فرض که مطلوبیت‌های یک فرد برای خودش قابل شمارش باشد، در عین حال، به راحتی نمی‌توان مطلوبیت‌های افراد مختلف را با هم مقایسه و با یکدیگر جمع کرد؛ زیرا اگر چنین کاری به یکی از افراد جامعه سپرده شود، او به فرض، تنها از مطلوبیت‌های خودش آگاه است و از شمارش مطلوبیت‌های دیگران اطلاعی ندارد؛ در این صورت او نمی‌تواند مطلوبیت‌های افراد را در یک وضعیت اجتماعی، با یکدیگر مقایسه کند و وضعیت دارای مطلوبیت بیشتر را بر کمتر ترجیح دهد.

ممکن است فرض شود، هر مجموعه‌ای از مطلوبیت‌های یک فرد که عنصری از یک وضعیت اجتماعی را تشکیل می‌دهد، از سوی خود افراد به شماره درآمده است؛ سپس، برای رتبه‌بندی وضعیت‌های اجتماعی مختلف، کافی است مطلوبیت‌های دارای شماره‌های مشخص و معین در هر وضعیت با یکدیگر جمع شوند؛ در این صورت نیز مشکل برطرف نخواهد شد؛ زیرا معیاری که هر فرد برای شماره دادن به مطلوبیت‌های خود در نظر می‌گیرد، ممکن است با معیار فرد دیگر متفاوت باشد و در نتیجه شماره‌های مطلوبیت‌ها با یکدیگر همگون نخواهند بود؛ در این صورت با توجه به اینکه هر فرد تنها از معیار خودش در شماره دادن به مطلوبیت‌ها اطلاع دارد، باز هم مقایسه میان مطلوبیت‌های افراد و ترجیح وضعیت دارای مطلوبیت بیشتر و در نتیجه رتبه‌بندی وضعیت‌های حاوی مطلوبیت‌های افراد، میسر نخواهد شد.

## ۲. معیار ترتیبی پارتویی برای رفاه بدون جبران خسارت

با توجه به نقدهای وارد شده بر شمارشی بودن تابع رفاه بنتامی اقتصاددانان در صدد برآمدند که آن را به صورت ترتیبی مطرح کنند. این اقتصاد رفاه که دیگر به اطلاعاتی مبنی بر مقایسه میان مطلوبیت‌های شمارشی افراد نیاز نداشت، سبب شد که پارتو<sup>۱</sup> نیز در مقاله قبلی اش تجدیدنظر کرده و نظریه خود در باب «تخصیص بهینه منابع» را با در نظر گرفتن مطلوبیت‌های ترتیبی بازنویسی کند.<sup>۲</sup> این نظریه که اکنون به عنوان معیار رفاه پارتویی مطرح است، یک تفاوت اصلی

1. Pareto

2. Suzumura, "Social Welfare Function", P. 418.